

قبل از اینکه وارد بحث رزق بشویم باید دیدگاه خود را درست کنیم و مسئله را آنطور که هست ببینیم به همین منظور در ابتدا به عنوان مقدمه مطالبی را تقدیم میکنیم: یکی از تفاوت های بنیادین و ماهوی بین اندیشه فلسفه غرب نسبت به انسان و حکمت ادیان شرقی ، در باب ارتباط انسان با جهان است یعنی همان بحث مطرح در آیه مذکور که مورد بحث عرفا، حکما و مفسرین قرار گرفته است. در زیر حکایتی از حضرت علی(ع) می آید که حضرت در آن جملاتی عرضه می دارند که قابل توجه است:

شیخ حرّ عاملی(ره) در کتاب اثبات الهداه جلد سوم {که از بهترین کتب درباره اثبات حقانیت ائمه از طریق آیات، روایات و حکایات است} می فرماید: «فردی از اطبّا شامات که شنیده بود حضرت علی (ع) فرموده اند: سَلَوْنِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي؛ قبل از اینکه مرا از دست بدهید از من بپرسید؛ و اثبات هم کرده است به سوی عراق آمد تا حضرتش را امتحان کند . تصور می کرد چیزی غیر از کرباس و مسجد و گل و سنگ خواهد دید اما وقتی حضرت (ع) در مسجد با لباسی آن چنان در میان عربها به سوالاتی نه چندان شایسته جواب میدهد باد نخوت و عجب او را گرفت.



در بین سوالات گفت من آمده بودم از شما سوالاتی بپرسم اما بهتر می بینم درماتان کنم چون رنگ چهره تان به زردی میزند گمان می کنم صفرای شما در خون افزون شده است و ساق پایتان هم فربه نیست توصیه می کنم چیزهایی که می شمارم بخورید رنگ صورتتان بهتر شود و چیز سنگین هم بلند نکنید برای سلامتی استخوانتان ضرر دارد. اصحاب خنده شان گرفت چون آنها درب خیبر را دیده یا شنیده بودند و عمر بن عبدود و مرحب خیبری را سینه به سینه نقل کرده بودند. آقا لبخندی زدند گفتند : چشم، گفتمی چه بخورم اما آیا چیزی هم هست که زردی چهره مرا افزون کند؟ آن فرد شروع به اظهار فضل نمود و آنچه در افزایش صفراء موثر است را برشمرد. آقا فرمود: قویترین چیزی که برای غلبه صفراء بر بلغم و سودا و دم پیدا کردی چه بوده است؟ مرد شامی می خواست خودی نشان دهد گفت من معجونی درست کرده ام برای بلغمی ها و سرد مزاج ها این معجون را به آنها میدهند که صفراشان بالا و به تعادل برسند. آقا(ع) دست دراز کردند ، گفتند : به من لطف می فرمایید ؟ او هم به گمان اینکه آقا می خواهد تجزیه کند تفکیک کند ببیند از چه چیزی درست شده یکی در دست آقا گذاشتند. حضرت(ع) فرمود: کم است و تا شش حبه گرفت آقا این ها را به طرف دهان که بُرد طبیب چشمانش باز شد آقا که خوردند طبیب وحشت کرد و گفت: الان است که صفراء بالا بزند و جان بدهید. پریشان شد آمد فرار کند آقا فرمود: صبر کن.



سر مبارک را پایین انداختند لختی که گذشت سر را بالا آوردند صورتشان قرمز قرمز شد؛ و فرمودند: پس کو غلبه صفراء برعکس دم غلبه کرد؟! طبیب برای اینکه خود را از تک و تا نیندازد گفت نمی دانم چه اتفاقی افتاد؟ فقط توصیه دوم را جدی بگیرید چیز سنگین بلند نکنید. راوی می گوید : دیدم حضرت بلند شدند و ستونی که به آن تکیه زده بودند و روی ستون سقفی و روی آن ساخت دومی بود را چنان بلند کردند که از سقف مسجد گرد و غبار شروع کرد به ریختن . طبیب شامی به سجده افتاد و گفت : نمی دانم تو که هستی شنیده بودم آن چه را که امروز دیدم فقط می دانم لایق ستایشی. آقا دست زدند زیر شان اش گفتند بلند شو سجده نکن من خودم مسجود دارم و بعد چند بیت فرمودند که این ها مصدر نگاه حکمای اهل عرفان در رابطه بین انسان و جهان است :

دَوَائِكُ فَيْكٍ وَلَا تَشْعُرُ      ودَائِكُ مِنْكَ وَ لَا تَبْصِرُ  
أَنْزَعَمُ أَنْكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ      و فَيْكُ أَنْطَوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرُ  
وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي      بِأَحْرَفِهِ يَظْهَرُ الْمُضْمَرُ

« ای بشر دوا و درد تو درون توست فکر میکنی همین جسم فیزیکی کوچک هستی ؟ در حالی که عالم بزرگ و پیچیده ای درون توست و تو کتاب مبین هستی که به تک تک حرفهای اسرار و رموز عالم را آشکار می



# رزق و روزی

۱

چگونه رزق و روزی خود را  
افزایش دهیم؟

«فوق العاده کار بردی»

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید



واحد فرهنگی  
بیمارستان خاتم الانبیا (ص)

چرا در دینی که اولین کلمه نازل شده اش ( اِقرء ) است بودجه هزینه شده خانوار برای نوشابه دوازده برابر کتاب است ؟ اگر اقتصاد ما دچار مشکل شد فقط باید اقتصاد دان ها را جمع کنیم ؟ در اندیشه اسلامی تمامی حوزه های فردی و جمعی و مادی و معنوی انسان و جهان در کیهان با هم مرتبط است آن هم ارتباطی معلوم ، شفاف و نوشته شده ما روایات عدیده در این زمینه داریم . به طور مثال دکور خانه با روزی مرتبط است . در هیچ دینی جز مکتب تشیع علوی چنین ارتباط اسرار آمیزی را پیدا نمی کنید . چرا دین تکه تکه می شود؟ معنویت با روزی ما و آن با فرهنگ ما ارتباط دارد . ما باید این تأثیر و تأثر ها را بدانیم . ابو علی سینا (ره) می گوید : در حوزه حکمت و فلسفه ، وظیفه فیلسوف این است که بتواند اثبات کند نماز استسقاء که موضوع معنوی است چه کار دارد با باران باریدن که پدیده مادی است. چطور آیت الله خوانساری (ره) نماز استسقاء بخواند و فعل و انفعالاتی رخ دهد بخار دریا که رفته به آسمان ، هوا سرد شود به حدی که به سطح بارش برسد ؟ چرا؟ آیا چون این اسرار را بررسی نکردیم باید به دنبال باردار کردن ابرها بگردیم؟ در قطار پیشرفت علم غرب ما در کوپه آخر هستیم معلوم نیست لوکوموتیو ران چه کسی است ؟ سوزن بانها قطار را به چه سمتی می برند ؟ ما قطار را از پشت می بینیم ، به کجا می رود ، نمی دانیم ؟

ادامه دارد .... (شماره ۲ را مطالعه کنید)

۵

در نگاه غربی انسان وصله ای است جدای از جهان تنها به دنیا آمده و تنها می رود ، در اندیشه توحیدی غربی می رود برای برزخ و قیامت و بهشت و جهنم. در اندیشه طبیعی دهری و ماتریالی غربی این دنیا تمام می شود انسان هم تمام می شود تا انسانهای دیگر بیایند ؛ و هرچه هست ارتباط آنها با هم سطحی است و اصالت ندارد مثل ارتباط درخت با ریشه اش نیست .

اما در اندیشه دینی : الان من و شما در یک متر مربعی از زمین نشستیم که عضو کوچک منظومه شمسی و آن یک خانواده از خاندان کهکشان راه شیری است که مانند این کهکشان ، ۴۰۰ میلیارد کهکشان منجمین یا رصد کرده اند یا تخمین زده اند که تمام اینها در آسمان اول است و در پس سیاهچاله های استغفار و یلیام هوکینگ فقط منجم ها و فیزیک دانان بر اساس فیزیک نظری حدس زده اند. ولی در روایات ما آمده است : « ربّ السماوات السّبع و ربّ الارضین السبع »

آیا معضلات اقتصاد چه در بُرد کلان چه در بُرد خانوادگی فقط باید در یک حوزه و حیطه مورد مطالعه قرار گیرد؟ آیا بنا بر اندیشه ادیان آسمانی خاصه دین اسلام انسان انقدر جداست که اقتصادش هیچ ارتباطی با بهداشت ، معنویت و امثالهم نداشته باشد ؟ آیا دین درباره روزنه روزی حرف نزده است ؟

بعضی پول هم دارند مقام هم دارند اما در دسر پشت در دسر ، رزقشان بی برکت و مملو از نکبت شده است. رزق فقط نان و پول نیست نماز و اندیشه و توفیق مطالعه رزق است

۴